

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

۱۱/۰۱/۰۶

پیامد حذف یارانه‌ها بر زندگی توده‌ها

رژیم جمهوری اسلامی بالاخره بعد از سال‌ها کشمکش، حذف یارانه‌ها را به مرحله اجراء در آورده است و کالاها و مایحتاج اولی زندگی همچون آب، برق، نان، شکر، بنزین، گاز، برنج، روغن، نفت و غیره، به شکل غیر قابل باوری افزایش یافته است.

البته پیشاپیش تاثیرات و نتایج مخرب "هدفمند کردن یارانه‌ها" بر زندگی کارگران و زحمتکشان مشخص بود و نیازی به گمانه زنی‌ها در حول و حوش آن نبود. بارها و بارها از جانب سران متفاوت رژیم بر "اهمیت" و "مزایا"ی طرح اشاره گردیده است و بارها و بارها اعلام نموده‌اند که حذف یارانه‌ها در خدمت به "شکوفائی و استقلال" اقتصادی جامعه است؛ اما فارغ از همه‌ی این‌ها چنانچه بخواهیم پایه و ملاک قضاوت خود را نه بر اساس گفته‌های سران حکومت بلکه بر تاثیرات فی‌البدیه آن در سطوح مختلف جامعه و اهداف در پس پرده سرمایه‌داران وابسته ایران استوار سازیم، بی تردید در آن چیزی جز سر کیسه کردن هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان و انطباق آن با سیاست‌ها و اهداف صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نخواهیم جست؛ سیاست و اهدافی که دهه‌هاست سران حکومت در صدد عملی نمودن آن بودند.

به بیانی واقعی‌تر حذف یارانه‌ها توسط رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی به مرحله اجراء در آمد که توده‌های ستمدیده سه دهه است، قادر به گذران زندگی بخور و نمیر نبوده‌اند و هزاران کودک به دلیل ناتوانی والدین‌شان، از فراگیری دانش و تحصیل باز مانده‌اند و هزاران تن دیگر به نیروی کار خیابانی تبدیل گردیده‌اند و ملیون‌ها انسان و جوان به دلیل فقر و ناداری به کارهای ناخواسته تن داده‌اند و در این میان کسی پاسخگوی ناهنجاری‌های اجتماعی – زیستی جامعه نیست.

مسلم است که در چنین مناسبات و روابطی، ادامه زندگی برای اکثریت آحاد جامعه ناممکن گردیده است و طبعاً عامل و مولد آن سرمایه‌داران‌اند. متأسفانه تهیه نان این‌روزها برای محرومان دو چندان شده است و پائین بودن دست‌مزد کارگران و گاهی عدم پرداخت آن از سوی کارفرمایان و سرمایه‌داران زالوصفت و به تبع آن‌ها بالا رفتن هزینه‌های اولی زندگی، امان را از آنان بریده است. در این سه دهه حاکمیت از خود و در تعرض به جان و مال

توده‌ها کمترین تعللی به خرج نداده و هرگونه اعتراض به حق و پایه‌ئی آنانرا به شنیع‌ترین و خشن‌ترین شکل ممکن پاسخ داده است. در یک کلام زندگی در ایران تحت سلطه رژیم جمهوری اسلامی برای کارگران و زحمت‌کشان به مانند مرگ تدریجی است. قصد و مقصود سران حکومت بر آن است تا همگام با سرمایه‌داران جهانی بر تعرض خویش بیفزایند و زمینه سودبری و دست‌اندازی‌ها را گسترده‌تر نمایند تا مبادا به طبقه خودی و سیستم سرمایه‌داری لطمه‌ای وارد گردد. نه تنها نفت را بر سر سفره مردم نبردند بلکه نان را هم گرفته‌اند. نانی که این‌روزها برای ملیون‌ها انسان به کالای لوکس تبدیل شده است و قادر به تهیه آن و سیر کردن شکم خود و خانواده‌های‌شان نیستند. در حقیقت مشکل رو در روی محرومان در زیر سلطه رژیم جمهوری اسلامی یکی دو تا نیست. کرایه ایاب و ذهاب هم این‌روزها کمرشکن شده است تا جائی‌که بناء به گزارش خیرگزاری‌های خود رژیم، تعدادی از مردم تبریز در اعتراض به حذف یارانه‌ها و گرانی بی‌رویه بنزین با سوار شدن بر الاغ به خیابان‌ها آمدند و بعضاً مردم چابهار می‌گویند "داریم برمی‌گردیم به زمانی‌که با اسب و قاطر رفت و آمد می‌کردیم".

همه این‌ها از سر خیر سران رژیم جمهوری اسلامی است، سرانی که بحران دائم‌التزاید خویش را به پای "تحول اقتصادی" می‌نویسند و بر آنند تا فرودستان جامعه، نظام گنبدیده و پوسیده‌شانرا نجات دهند. مردم از دست این نظام‌ها جان‌شان، به لب‌شان رسیده است و به عناوین متفاوت تأکید می‌ورزند که عامل هزاران بدبختی و مصائب اجتماعی، سرمداران نظام‌های کنونی‌اند. علناً سران رژیم جمهوری اسلامی را به باد ناسزا می‌گیرند و خواهان نابودی همه آنان‌اند. دلیل آن هم بسیار روشن و گویاست، چرا که در تهیه نان و گوشت و مرغ و غیره مانده‌اند. این سیمای واقعی جامعه دست‌ساز سرمایه‌داران است و مسلماً پایدار نخواهد ماند و جامعه در آینده‌ای نزدیک شاهد بروز عکس‌العمل‌های طبیعی قربانیان نظام امپریالیستی خواهد بود. بدون کمترین شک و شبهه‌ای دلیل آن، به وضعیت بد اقتصادی مردم مربوط می‌شود و خلاف آن‌ها غیر طبیعی است.

توده گرسنه چاره‌ای ندارد - و خلاف گفته‌های "امام جمعه مشهد" - سید احمد علم‌الهدی - که می‌گوید:

"یارانه‌ها مال امیرالمومنین است" -، باید تأکید ورزید که شکم گرسنه توأم با سرکوب و جماق، دین و ایمان نمی‌شناسد و نه تنها "هدفمند کردن یارانه" را، "نهضتی که باعث استقلال اقتصادی امت مسلمان در این کشور اسلامی"، به حساب نمی‌آورد بلکه آنرا به عنوان "نهضت" و تعرض هر چه وسیع‌تر سرمایه به سفره ناچیز خود قلمداد می‌کند؛ توده‌ای که کمرش از زیر بار هزاران مصائب سیاسی - اجتماعی خُرد شده است.

اوضاع کنونی بیش از این برای توده‌های ستم‌دیده قابل تحمل نیست و به دنبال آن تفاوت معانی و مفاهیمی همچون "تحول اقتصادی" و "کار عظیم" تعریف شده سران جنایت‌کار رژیم جمهوری اسلامی، با تحول و کار عظیم مدنظر کارگران و زحمت‌کشان از زمین تا آسمان است. شکی در آن نیست که یکی در جهت اسارت و بندگی هر چه بیشتر ملیون‌ها انسان رنج‌دیده است و دیگری مدافع و تضمین‌کننده آسایش برای کارگران و زحمت‌کشان و فرزندانشان می‌باشد. بنابراین حذف یارانه‌ها، طرح و نقشه سرمایه‌داران است و در خدمت به نجات طبقه ظالمان چیده شده است و ذره‌ای به درد محرومان نمی‌خورد و پر واضح است که پیامد آن چیزی جز تخریب هر چه بیشتر زندگانی قربانیان نظام سرمایه‌داری نیست.

گرانی سرسام آور اقلام ابتدائی زندگی، اصلاً و ابداً خواست و طرح توده‌های ستم‌دیده نیست. توده خواهان رفاه و استفاده از نعمات جامعه به نفع محرومان است. نمی‌توان با ریاکاری از یک‌سو، سیاست مبارزه با گرانفروشی را در پیش گرفت و از سوی دیگر رسماً و قانوناً بر قیمت‌های نان، برق، گاز و آب و غیره افزود. نمی‌توان بیش از این توده را سر کیسه نمود و خواسته‌ها و سیاست‌های ظالمانانه خود را به پیش بُرد. سیاستی که پیشبرد آن - و بناء

به گفته احمدی نژاد -، بدون همپاری سپاه و دیگر ارگان‌های سرکوبگر، ناممکن می‌باشد. علنا و به مانند همه نظام‌های سرکوبگر، بقاء و تضمین طرح‌های ارتجاعی‌شانرا در دخالت‌گری‌های دسته‌های مسلح می‌دانند؛ دسته‌های مسلحی که، همواره در صف مقدم جبهه ضد انقلاب‌اند و تاکنون در مقابل اعتراضات پایه‌ئی توده‌ها به آن‌چنان جنایاتی مرتکب گردیده‌اند که قلم قادر به توضیح همه ابعاد آن نیست.

با این اوصاف و علی‌رغم آگاهی به وقوع تنش‌های آتی توده‌های محروم با سرکوبگران و جانپان رژیم جمهوری اسلامی باید دانست که رادیکالیزه شدن و سمت و سو یافتن اعتراضات خودجوش توده‌ئی، به شکل و پای‌گیری سازمان کمونیستی و انقلابی در درون مربوط می‌باشد. سازمانی که قادر گردد در گره‌های تاریخی، دوشادوش اعتراضات مردمی، سازمان‌های مسلح رژیم را مورد خطاب قرار دهد و نقشه‌های شوم آن‌را در درازمدت عقیم سازد. روشن است که جنگ طبقاتی موجود در ایران بدون هدایت مدبرانه سازمان رزمنده ناممکن می‌باشد و امر انقلاب توده‌ئی با دست‌اندازهای متفاوتی روبرو خواهد گردید. هیچ جنبش اعتراضی - مبارزاتی، مستحق تلاشی و در غلتیدن به کج اندیشی و کج‌راهی نیست. همه نظام‌های سرمایه‌داری و از جمله رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به این دلیل بر سر کاراند که جنبش‌های اعتراضی فاقد آلترناتیوهای سالم و کمونیستی‌اند. همه این نظام‌ها و از جمله رژیم جمهوری اسلامی مستحق نابودی‌اند؛ مستحق آنند تا در مبارزه‌ای قهر آمیز به زیر کشیده شوند و ملیون‌ها کارگر و زحمتکش از اوضاع دهشتناک کنونی نجات یابند. امر مهمی که بر عهده همه کمونیست‌های رزمنده است و باید آگاه بود که بدون به نبرد فراخواندن عملی ارگان‌های بقای سلطه سرمایه و آن‌هم در جنگی مستقیم و رو در رو، نمی‌توان نقشه‌های شوم و استثمارگرانه حاکمان را عقیم ساخت و آرامش و آسایش را برای کارگران و زحمتکشان و فرزندان‌شان به ارمغان آورد.

[/http://triboonshoma.wordpress.com](http://triboonshoma.wordpress.com)